

توماس ا. کمپیس
اقتدابه مسیح

ترجمه و تحقیق سعید عدالت نژاد

ویراست دوم



فرهنگ جاوید

فهرست

۱۳	یادداشت مترجم برویراست جدید
۱۵	مقدمه مترجم

کتاب اول: نصایحی در باب حیات روحانی

۴۱	۱ در باب اقتدا به مسیح
۴۳	۲ در باب تواضع
۴۴	۳ در باب درس آموزی حق
۴۸	۴ در باب احتیاط در عمل
۴۹	۵ درباره قرائت متون مقدّس
۵۰	۶ درباره غلبه بر امیال
۵۰	۷ در اجتناب از امیدهای واهی و از غرور
۵۲	۸ در اجتناب از مؤانست زیاد از حد
۵۲	۹ در باب اطاعت و ریاضت
۵۳	۱۰ در پرهیز از زیاده‌گویی
۵۴	۱۱ در باب آرامش و سیر و سلوک معنوی

- ۲۵ دربارهٔ آرمش بادوام و پیشرفت واقعی ۱۷۴
- ۲۶ دربارهٔ فضیلت روح آزاد ۱۷۶
- ۲۷ چگونه حُب ذات ما را از طلب خدا منع می‌کند؟ ۱۷۷
- ۲۸ در مذمت افترا ۱۸۰
- ۲۹ چگونه باید در همهٔ مشکلات شاکر خداوند باشیم؟ ۱۸۱
- ۳۰ در باب درخواست کمک الهی و اطمینان به لطف او ۱۸۲
- ۳۱ در باب وداع با همهٔ مخلوقات برای یافتن خالق ۱۸۵
- ۳۲ در باب کَفِّ نَفْس و بی‌توجهی به امیالمان ۱۸۷
- ۳۳ در باب عدم ثبات قلب ۱۸۹
- ۳۴ در باب شفقت خداوند به کسانی که او را دوست دارند ۱۹۰
- ۳۵ چگونه هیچ مغزری از وسوسه‌ها نیست؟ ۱۹۲
- ۳۶ در مذمت داوری‌های پوچ مردم ۱۹۴
- ۳۷ چگونه تسلیم خود، آزادی قلب به ارمغان می‌آورد؟ ۱۹۶
- ۳۸ در باب درست تصرف کردن در امور خویش ۱۹۸
- ۳۹ چگونه نباید بیش از اندازه دلواپس باشیم؟ ۱۹۹
- ۴۰ چگونه آدمی هیچ خبری از خود ندارد که به آن فخر کند؟ ۲۰۰
- ۴۱ در باب تحقیر فخرهای دنیایی ۲۰۲
- ۴۲ آرامش ما وابسته به مردم نیست ۲۰۲
- ۴۳ هشدار بر ضد علم‌آموزی پوچ دنیایی ۲۰۴
- ۴۴ در اجتناب از پراکندگی افکار ۲۰۶
- ۴۵ چگونه باید هر آنچه را می‌شنویم باور نکنیم؟ ۲۰۶
- ۴۶ در باب توکل تام به خدا ۲۰۹
- ۴۷ چگونه برای به دست آوردن حیات ابدی باید سختی‌ها را تحمل کرد؟ ۲۱۲
- ۴۸ در باب ابدیت، و محدودیت‌های این زندگی ۲۱۴
- ۴۹ در باب اشتیاق به حیات ابدی و عجایب وعده‌های خداوند ۲۱۷
- ۵۰ در باب توکل بر خداوند در همهٔ سختی‌ها ۲۲۰

۲۸۲	۱۴	در باب اشتیاق پرشور به بدن مسیح
۲۸۴	۱۵	چگونه عبادت در سایه تواضع و کفّ نفس به دست می آید؟
	۱۶	چگونه باید نیازهای خویش را به مسیح عرضه و لطف او را طلب کنیم؟
۲۸۵		
۲۸۷	۱۷	در باب عشق پرشور و علاقه وافر به تناول مسیح
	۱۸	چگونه باید متواضعانه به آیین مقدّس مسیح نزدیک شویم و عقل را به خدمت ایمان مقدّس درآوریم؟
۲۸۹		
۲۹۳		منابع مترجم
۲۹۷		واژه نامه
۳۰۹		نمایه

کتاب اول

نصایحی در باب حیات روحانی

۱

در باب اقتدا به مسیح

پروردگارا ما می‌گوییم: «کسی که از من پیروی کند، هرگز در تاریکی قدم نمی‌زند.»^۲ مسیح در این کلمات، همه ما را به پیروی از او در زندگی و رفتار توصیه می‌کند، اگر به جد بخواهیم بینا شویم و از همه کوردلی‌ها رهایی پیدا کنیم.^۳ پس باید توجه ابتدایی خود را معطوف به زندگی عسی مسیح کنیم. تعلیمات عیسی از همه آموزش‌های قدیسان بسیار برتر است و هر انسانی که واجد روح او شود، گمشده خود را در آن مائده آسمانی درمی‌یابد.^۴ اما

۱. در همه متن در برابر God خداوند، Lord پروردگار، Christ مسیح، Jesus عیسی نهاده‌ام. در ادبیات مسیحی، پروردگار معنای بسیار نزدیکی با مفهوم رب مضاف مثل رب ابراهیم و موسی، و "ولی" در ادبیات عرفانی-اسلامی دارد و به مقام و صفت فعل خداوند اشاره می‌کند. از این رو، گاهی مؤمن، چه مسیحی و چه مسلمان، به پروردگار پناه می‌برد و از او تقاضای استجاب دعا می‌کند. صفت فعل خداوند البته از ذات او جدا نیست ولی به لحاظ انتزاعی (نظری) این تفکیک امکان‌پذیر است. از این رو، گاهی به مسیح نیز پروردگار گفته می‌شود. (مترجم)

۲. یوحنا: ۱۲/۸ [من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی کند، در تاریکی نخواهد ماند. زیرا نور زنده راهش را روشن می‌کند].

۳. مرقس: ۵/۳ [عیسی که از سنگ دلی آنان به خشم آمده بود، نگاهی غضب‌آلود بر ایشان انداخت و به آن مرد گفت دست را دراز کن، مرد دستش را دراز کرد و شفا یافت].

۴. مکاشفه: ۱۷/۲ [... هر که پیروز شود، از من یعنی آن نان آسمانی خواهد خورد و...]. manna اشاره به مَنّ و سلوی یعنی مائده آسمانی است که خداوند برای قوم بنی‌اسرائیل در بیابان نازل کرد. در قرآن نیز به

را به نادیدنی‌ها معطوف کنی، چراکه آن‌ها که فقط از امیال طبیعی خود پیروی می‌کنند، وجدان خود را نابود می‌کنند و لطف خداوند را از دست می‌دهند.^۱

۲

در باب تواضع

هر انسانی، در سرشت خود، جوایای علم است.^۲ اما از علم بدون ترس از خدا چه سودی عاید است؟ آن روستازاده متواضعی که در خدمت خداست، نزد خدا برتر از عالم مغروری است که مسیر ستاره‌ها را می‌داند اما از خویش غافل است.^۳ آدمی که واقعاً خود را می‌شناسد، بی‌ارزشی خود را می‌داند و از ستایش آدمیان لذتی نمی‌برد. اگر من همه علم عالم را داشته باشم، اما عاشق نباشم^۴ چگونه این علم در پیشگاه خداوندی که درباره من با علم به قضاوت می‌نشیند، کمک خواهد کرد؟

از اشتیاق افراطی به دانش پرهیز کن؛ دانشی که در آن اضطراب و فریب فراوان یافت می‌شود. اهل علم همیشه دوست دارند در چشم همگان این‌گونه ظاهر شوند و به حکمت خویش شهره آفاق. اما بسیاری از امور هست که علم به آن‌ها هیچ سودی برای نفس آدمی به بار نمی‌آورد یا سود اندکی دارد. در واقع، آدمی که خود را به امور مشغول کند، جز آنچه موجب نجات او می‌شود، نادان

«جامعه سلیمان» وجود دارد. (مترجم)

۱. آموزه‌های این باب بسیار شبیه است به دستورات اخلاقی-عرفانی اسلام که در آن از مذمت دنیا و پیروی از هواهای نفسانی سخن می‌رود. برای نمونه رجوع کنید به: نهج البلاغه، خطبه ۹۹. (مترجم)

۲. ارسطو، مابعدالطبیعه، کتاب یکم (آلفای بزرگ)، فصل یکم.

۳. ابن سیراخ (Ecclesiastus): ۱۹/۲۲ [لیک علم به بدی حکمت نیست، و نصیحت گنهکاران تدبیر نیست]. کتاب «ابن سیراخ» از کتاب‌های قانونی ثانی است و املائی انگلیسی آن شبیه به «جامعه سلیمان» است. از این رو در این جا املائی ابن سیراخ را در پانویشت باب و قبل از املائی جامعه سلیمان آوردم. در متن انگلیسی از ابن سیراخ با Eccles و از جامعه سلیمان با Eccles یاد شده است. در این ترجمه به تبع ترجمه‌های عربی «ابن سیراخ» آمده است و نه «ابن سیرا». درباره کتاب‌های قانونی ثانی رجوع کنید به: کتاب‌هایی از عهد عتیق، کتاب‌های قانونی ثانی، ترجمه پیروز سیار، مقدمه، تهران: نشرنی، ۱۳۸۰. (مترجم)

۴. اول قرنتیان: ۲/۱۳ [اگر عطای نبوت داشته باشم و از رویدادهای آینده آگاه باشم و همه چیز را درباره هر چیزی و هر کس بدانم، اما انسان‌ها را دوست نداشته باشم، چه فایده‌ای به ایشان خواهم رساند؟]

بسیاری از مردم که از روح مسیح در آن‌ها خبری نیست،^۱ با آن‌که انجیل بسیار به گوش‌شان می‌خورد، به پیروی از آن کم‌تر ابراز علاقه می‌کنند. هر کس می‌خواهد کلمات مسیح را بفهمد و از شنیدن آن‌ها مسرور شود، باید بکوشد همه زندگی خود را با او تطبیق دهد.

اگر متواضع نباشی و از این رو تثلیث را نپذیری، چه سود که درباره تثلیث عالمانه بحث کنی؟ کلمات فخیم و جذاب آدمی را درستکار یا پرهیزگار نمی‌کند؛ اما زندگی خوب او را نزد خدا عزیز می‌کند. من آن احساس پشیمانی را بیش از قدرت شرح و تعریفش خوش دارم. اگر همه کتاب مقدس را از حفظ بدانی و همه آموزش‌های فیلسوفان را نیز فراگرفته باشی، بدون لطف و عشق خداوند چگونه این آموزش‌ها می‌توانند به تو کمک کنند؟^۲ «بیهوده است بیهوده، همه چیز بوج و بیهوده است.»^۳ جز عشق به خدا و فقط در خدمت او بودن، این است حکمت متعالی؛ تحقیر این دنیا و هر روز به ملکوت آسمان نزدیک‌تر شدن. در پی نام و نشان و ترفیع رتبه بودن، بوج و بیهوده است. بنده شهوات جسمانی بودن^۴ و به تمنای چیزهایی رفتن که عقوبت قطعی در پی دارد، بوج و بیهوده است. اگر کم‌تر مراقبی که زندگی خوبی داشته باشی، آرزوی عمر دراز بیهودگی است. بیهودگی است که فقط به فکر زندگی این جهان باشی و هیچ کاری برای جهان دیگر نکنی. عشق به اموری که برق‌آسا می‌گذرند و کاهلی در رسیدن به جایگاه خوش ابدی بیهودگی است.

این گفته همیشه به یادت باشد: «چشم‌ها از دیدن سیر نمی‌شوند و گوش‌ها با شنیدن پر نمی‌شوند.»^۵ بکوش قلبت را از عشق به امور دیدنی بگردانی و توجهات

اشاره به این موضوع شده است. رجوع کنید به: بقره: ۵۷؛ طه: ۸۰ و اعراف: ۱۶۰؛ نیز در کتاب مقدس رجوع کنید به: خروج: ۳۰/۱۶، ۳۳. (مترجم)

۱. رومیان: ۹/۸. [اگر روح مسیح در وجود کسی ساکن نباشد، او اصلاً مسیحی نیست].

۲. تثنیه: ۱۳/۶ [از خداوند خدای تان بترسید، او را عبادت کنید و به نام او قسم بخورید].

۳. جامعه سلیمان (Ecclesiastes): ۲/۱ [بیهودگی است! بیهودگی است! زندگی، سراسر بیهودگی است!] ۴. غلاطیان: ۱۶/۵ [به شما توصیه می‌کنم که از اوامر روح خدا پیروی کنید. او به شما خواهد آموخت که چه بکنید و کجا بروید. در این صورت دیگر برده امیال نفس سرکش خود نخواهید بود].

۵. جامعه سلیمان: ۸/۱ [همه چیز خسته‌کننده است. آن قدر خسته‌کننده که زبان از وصف آن قاصر است. نه چشم از دیدن سیر می‌شود و نه گوش از شنیدن.] در ترجمه عربی این باب فقط نشانی‌های